



A jurisprudential study of the phenomenon of Aryan marriage in contemporary Iran; Fundamentals And Challenges

Zeinab Sanchooli

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of
Islamic Law, ZAH.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

Email: zsanchooli@iau.ac.ir

Abstract

With the emergence and spread of Islam in Iran, many of the ancient Persian customs and traditions underwent significant changes. Following the traditions of the Prophet Muhammad (PBUH) as a noble example gradually replaced pre-Islamic practices in many areas, including the institution of marriage. However, in recent years, a growing number of Iranian youth, seeking a return to their ancestral traditions, have attempted to replace the Islamic marriage contract (Nikah) with the so-called Arian marriage contract, based on ancient Iranian customs—outside the conventional religious and legal frameworks. This phenomenon has, in turn, raised various challenges in terms of legitimacy, legal consequences, and social implications, making it one of the emerging issues in contemporary social relations. This study, conducted using a descriptive-analytical method, concludes that the tendency to perform the Arian marriage contract instead of the Islamic Nikah is problematic not only due to concerns regarding the legal validity of the marriage and ambiguities in determining the rights and obligations of the spouses, but also because it involves several other issues. These include blind imitation of ancestral traditions, undermining Islamic rulings, introducing religious innovations (bid'ah), inclinations toward racial superiority, and diminishing the significance of the comprehensive nature of Islam and the necessity of following the Prophet's example as a model for society. Over time, this trend is likely to evolve into a cultural-religious challenge. The present study examines existing jurisprudential and legal perspectives and offers solutions to address the religious and legal obstacles related to this type of marriage.

Keywords: Aryan marriage, Islamic marriage, customs, blind imitation, distortion of Islam.

Received: 2025/03/02
Revised: 2025/04/13
Accepted: 2025/04/15

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2054833.1033

Available Online: 2025/04/23

تحلیل فقهی پدیده عقد ازدواج آریایی در ایران معاصر؛ مبانی و چالش‌ها

زینب سنجولی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

رایانامه: zsanchooli@iau.ac.ir

چکیده

با ظهور و گسترش دین اسلام در ایران، بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌های ایران باستان نیز دستخوش تغییر و تحول شد و پیروی از سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان الگوی حسنه، در امور بسیاری از جمله عقد نکاح جایگزین سنت پیشینیان شد؛ با این حال در سال‌های اخیر، بسیاری از جوانان ایرانی با هدف بازگشت به سنت‌های پیشینیان، درصدد جایگزینی عقد نکاح آریایی با اتکا به سنت‌های باستانی ایرانی - خارج از چارچوب‌های شرعی و قانونی متداول - به جای عقد ازدواج اسلامی هستند که این امر به نوبه خود، چالش‌هایی را در حوزه مشروعیت، آثار حقوقی و تبعات اجتماعی به عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در عرصه مناسبات اجتماعی به دنبال دارد. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، این نتایج حاصل شده است که: گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی به جای عقد نکاح اسلامی، علاوه بر این که از نظر صحت عقد ازدواج با اشکال مواجه است و منجر به ابهام در تعیین حدود تکالیف و حقوق زوجین می‌گردد، با چالش‌های دیگری نیز از جمله تقلید کورکورانه از سنت پیشینیان، و هتک احکام اسلامی و بدعت در دین، تمایل به گرایش‌های نژادپرستانه و کم‌رنگ شدن اهمیت جامعیت دین اسلام و لزوم پیروی از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان الگوی حسنه در جامعه نیز همراه است که در نهایت در گذر زمان، به یک چالش فرهنگی - مذهبی تبدیل خواهد شد. در پژوهش حاضر، با بررسی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی موجود، راهکارهایی برای رفع موانع شرعی و قانونی این نوع ازدواج ارائه شده است.

واژگان کلیدی: ازدواج آریایی، نکاح اسلامی، آداب و رسوم، تقلید کورکورانه، و هن اسلام.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۲/۱۲	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۰۱/۲۵	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۴/۰۱/۲۷	:DOI	10.22034/CJLS.2025.2054833.1033
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۴/۰۲/۰۳		

آداب و رسوم هر جامعه، مجموعه‌ای از رفتارهای دینی و غیردینی گروهی از مردم است که به دلیل مشترکات دینی یا ملی گرد هم آمده‌اند و به دلیل زیربنای فکری مشترک، از باورها و رفتاری مشترک پیروی می‌کنند. آنچه امروز به‌عنوان آداب و رسوم زرتشتیان باقی مانده است، بازمانده باور و رفتار ملتی بسیار قدیمی است که با پیام آسمانی زرتشت پیامبر هماهنگ، و با شرایط زمانه همساز گشته است. (مزدپور، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱) برای آیین‌های زرتشتی دو ویژگی مهم می‌توان برشمرد: دینی بودن آیین‌های زرتشتی و استمرار آن در زندگی بهدینان. در جوامع اسلامی و به‌ویژه در ایران، آداب و رسوم کهن آریایی تا حدودی در شکل‌گیری هویت فرهنگی مردم تأثیرگذار بوده‌اند. با این حال، در برخی موارد، این سنت‌ها و رسوم ممکن است با اصول اسلامی مغایرت داشته باشد؛ یکی از این موارد، تمایل برخی از ایرانیان به خواندن عقد ازدواج آریایی به‌جای عقد نکاح اسلامی است. این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک چالش فرهنگی و مذهبی مورد نقد و بررسی قرار گیرد؛ از این جهت که گاهی با تقلید کورکورانه از سنت‌های پیشینیان و وهن احکام اسلامی همراه است و گاهی اهمیت تبعیت از دین اسلام به‌عنوان دین جامع و پیروی از سیره پیامبر به‌عنوان الگوی حسنه تربیتی در جامعه کم‌رنگ می‌شود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با تأسیس مکتب ارزش‌ها و اصول اخلاقی، راه را برای تشکیل خانواده‌های سالم و پایدار باز کرد. تبعیت از سنت‌های ایشان در ازدواج به‌جای تقلید از سنت‌های غیردینی، به مؤمنان کمک می‌کند تا زندگی مشترک رضایت‌بخش و مبتنی بر اخلاق را بنا نهاده و از مشکلات احتمالی جلوگیری کنند؛ در نتیجه تأسیس زندگی مشترک بر اساس سیره و آموزش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) به‌عنوان بهترین الگو و راهنمای مؤمنان ارائه می‌شود. حال، فارغ از صحت و سقم عقد ازدواج آریایی به‌عنوان یک عقد صحیح شرعی - که اکثریت فقهاء قائل به عدم صحت آن هستند و آن را موجد رابطه زوجیت نمی‌دانند - گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی از جهاتی دیگر نیز می‌تواند به یک چالش فقهی در جامعه تبدیل شود که اهمیت بررسی موضوع را نمایان می‌سازد.

عوامل مختلفی می‌تواند در گرایش به عقد ازدواج آریایی، مؤثر باشد از جمله اینکه: بسیاری از افرادی که به عقد ازدواج آریایی تمایل دارند، ممکن است اطلاعات کافی درباره احکام و شرایط عقد اسلامی نداشته باشند؛ بنابراین، عدم آگاهی از مزایا و ارزش‌های ازدواج در اسلام می‌تواند یکی از دلایل گرایش به این نوع عقد باشد. از سوی دیگر، تأثیرات فرهنگی نیز در این مسأله دخیل است؛ زندگی در جامعه‌ای که به‌طور مستمر به‌روزهای تاریخ و هویت فرهنگی خود می‌پردازد، می‌تواند باعث ایجاد احساس نیاز به حفظ آداب و رسوم گزیده از فرهنگ کهن شود؛ این احساس می‌تواند باعث تضعیف ارزش‌ها و اصول اسلامی در ذهنیت افراد شود.

حال، سؤال اصلی تحقیق این است: آیا خواندن عقد ازدواج آریایی به دلیل وهن احکام اسلامی یا بدعت در دین، حرام است؟ فرضیه اصلی تحقیق آن است که: اگر این رسم باهدف تضعیف فرهنگ اسلامی نباشد، به خودی خود حرام نیست؛ لیکن اگر باعث تقلید کورکورانه و وهن احکام اسلام شود و به بحران‌های هویتی و فرهنگی در جامعه منجر شود؛ از نظر شرع اسلام حرام است.

در پیشینه تحقیق می‌توان گفت: تحقیقات محدودی در این خصوص انجام شده از جمله: - زینب محمدزاده و مهدی اجتهادی (۱۴۰۲) در مقاله «جایگاه عقد آریایی در نظام فقه خانواده اسلامی» سعی کردند این مسأله را اثبات کنند که صرف نوپیدایی عقد آریایی و برخی تفاوت‌ها در شکل ظاهری اجرای آن با عقد شرعی، دلیل بر عدم مشروعیت آن تلقی نمی‌شود؛ بلکه این عقد از ارکان اساسی ایجاد پیوند زناشویی در اسلام برخوردار بوده، صحیح و مشروع است. حال وجه تمایز مقاله حاضر با مقاله مذکور این است که صرف‌نظر از اختلافاتی که در صحت و مشروعیت عقد ازدواج آریایی وجود دارد، در نوشتار خود به دنبال بیان این مطلب هستیم که گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی، به دلیل چالش‌های فرهنگی و مذهبی که برای جامعه به دنبال دارد، به‌عنوان یک ناهنجاری نوظهور در مجموعه فرهنگی ازدواج ایرانیان مسلمان، نهایتاً با تضعیف اعتقادات دینی جوانان و وهن و سبک شمردن اسلام همراه خواهد بود.

- ایوب یوسف پور نظامی، صمد صباغ دهخوار قانی، داوود کوهی و محمد عباس زاده (۱۴۰۰) در مقاله «مسئله شناسی زبان - جامعه‌شناختی برساخت «ازدواج/عقد آریایی» در بستری از فرایندشناسی ساخت ستیزی آریاگرایی» موضوع عقد آریایی را از منظر جامعه‌شناسی بررسی کرده و از گرایش به عقد ازدواج آریایی به‌عنوان روشنفکری پس‌افتاده فرهنگی و مجموعه‌ای ضد فرهنگی که باعث ناهنجاری در سازمان خویشاوندی، زناشویی و روابط جنسی و نهایتاً منجر به ناجامه سازی ایران به دلیل گرایش به تفکرات نژادپرستانه و اسلام‌ستیزی می‌شود، نام برده است. حال وجه تمایز مقاله حاضر با مقاله مذکور این است که در پژوهش مذکور، چالش‌های جامعه‌شناختی موضوع به رشته تحریر کشیده شده؛ حال آنکه ما درصدد بیان چالش‌های فرهنگی مذهبی موضوع از منظر فقه هستیم.

- مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه عقد ازدواج باستانی و خطبه عقد اسلامی» در سال ۱۳۹۴ منتشر شده که ضمن اشاره به متن صحیح عقد ازدواج زرتشتی و آداب و رسوم آن زمان، بر جعلی بودن و نمادین بودن عقد آریایی تأکید می‌کند و تصریح می‌کند که عقد ازدواج اسلامی مشتمل بر ایجاب و قبول صحیح و مهریه است و ادعای اینکه در عقد ازدواج

اسلامی، زن، خود را در مقابل دریافت مهریه (پول) در اختیار مرد قرار می‌دهد، توهم یکسری اشخاص سرخورده و اسلام‌ستیز است. حال وجه تمایز مقاله حاضر با مقاله مذکور این است که در پژوهش مذکور، چالش‌های فقهی و جامعه‌شناختی موضوع به رشته تحریر کشیده شده؛ حال آنکه ما درصدد بیان چالش‌های فقهی و فرهنگی مذهبی موضوع هستیم.

- مجتبی جایمند (۱۴۰۲) در مقاله «ازدواج آریایی: مقابله یا موافقت با کتاب و سنت» به مقایسه ازدواج آریایی با ازدواج اسلامی از منظر فقهی و حقوقی پرداخته و تطابق و تفاوت‌های آن با آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اسلام را مورد تحلیل قرار داده است. همچنین در این مقاله، به بررسی اهمیت اجتماعی و فرهنگی عقد آریایی در تقویت پیوندهای عاطفی و اجتماعی میان زوجین و خانواده‌ها اشاره شده و نقش آن در تعاملات اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر مورد تأکید قرار گرفته است. حال وجه تمایز مقاله حاضر با مقاله مذکور این است که به عقیده ما، رواج عقد ازدواج آریایی، چالش‌های فقهی، فرهنگی و مذهبی را در جامعه به دنبال دارد که ما درصدد بیان چالش‌های فقهی و فرهنگی مذهبی موضوع هستیم.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم عقد آریایی: عقد آریایی به مجموعه‌ای از رسوم و سنت‌های ازدواج در فرهنگ ایرانی اشاره دارد که به زمان‌های باستان مربوط می‌شود؛ این عقد، بر مبنای باورهای عمیق فرهنگی و تاریخی شکل گرفته است و برخی از افراد به دلیل احساس تعلق به هویت فرهنگی و نژادی خود به آن تمایل دارند. (محمدزاده و اجتهادی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۳) این مراسم اغلب شامل تمجید از نیاکان و آداب و رسوم ملی است که ممکن است گاهی در تضاد با آموزه‌های اسلامی قرار بگیرند.

۲-۱. تقلید کورکورانه: تقلید کورکورانه، به دنباله‌روی از سنت‌ها و نظرات بدون لحاظ دقت و تحقیق در اصول و مبانی آن‌ها و به عبارتی پذیرفتن قول بدن دلیل اطلاق می‌شود. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۳۲) تقلید در دین اگر کورکورانه باشد و با تعطیل کردن اندیشه و تفکر و سرسپردگی همراه باشد، نه تنها موجب گمراهی است بلکه یکی از آفات دین‌داری نیز به شمار می‌آید؛ (آخوندی، ۱۳۹۷، ص ۷۰) بر همین اساس در فقه اسلامی، تنها تقلید عقلانی و مبتنی بر آگاهی از مفاد و دلایل احکام، مقبول است.

۱-۳. وهن دین: وهن در لغت، به معنای ضعف و سستی در کاری یا چیزی، (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۴۵۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۲۷) و در اصطلاح، به معنای سست و سبک شمردن و به عبارتی دیگر ضعیف نمایی دین است. بر همین اساس، وهن احکام اسلام، به معنای تضعیف، کم‌رنگ کردن یا تحقیر احکام دینی است؛ (مکارم، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۳۲۳؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۰۹؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۱۲؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۷) این عمل نه تنها به ارزش های دین آسیب می زند بلکه ممکن است به بی اعتمادی نسبت به دین و اصول آن در بین افراد جامعه نیز منجر شود.

۱-۴. نژادپرستی: نژاد در لغت، به معنای «اصل و نسب» «دوده و تبار» (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۴۷، ص ۴۶۰) و در اصطلاح، نژادپرستی باوری است که بر اساس آن، یک گروه نژادی خود را برتر از گروه های نژادی دیگر می داند؛ بر همین اساس، اصل برتری طلبی به عنوان یکی از مهم ترین مبانی و اصول نژادپرستی به شمار می آید. (کوئن، ۱۳۸۰، ص ۳۴۹) در نگاه نژادپرستانه، ارزش افراد بر اساس تعلق آن ها به ملتی که بر مبنای هویت جمعی نژادی شکل گرفته تعیین می شود و تبار انسان ها، نشان دهنده هویت نژادی ملی آن ها است.

۲. موضوع شناسی عقد ازدواج آریایی

گرچه در خصوص تاریخ و نحوه شکل گیری متن عقد آریایی و تشریفات اجرای آن، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست؛ اما آنچه از بررسی اسناد مربوط به آداب و رسوم پیمان زناشویی زرتشتیان به دست می آید، این است که آنچه امروز در بین جوانان با عنوان عقد ازدواج آریایی شهرت یافته، هیچ شباهتی به عقد آریایی ایران باستان نداشته بلکه پدیده جدیدی است که از اشعار زنده یاد فریدون مشیری که در کتاب وی با عنوان «نوایی هماهنگ باران» در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده، اقتباس شده است. مقایسه متن عقد آریایی^۱ با مراسم ازدواج

۱. روش برگزاری عقد ازدواج آریایی به این صورت است که ابتدا عروس و داماد روبروی یکدیگر ایستاده و در حالیکه دستان هم را در دست دارند، در حضور پیمان بان، بر وفاداری خود به زندگی مشترکشان ادای سوگند می کنند. پس از ادای سوگند، عروس و داماد، متن پیمان را که به منزله صیغه عقد است و توسط پیمان بان خوانده می شود، تکرار می کنند:

مرد: به نام نامی یزدان

تورا من برگزیدم از میان اینهمه خوبان

برای زیستن با تو میان اینهمه گواهان

بر لب آرم این سخن با تو

زرتشتیان^۱ نشان می‌دهد که متن عقد آریایی، جعلی، نمادین، تشریفاتی و فاقد پیشینه تاریخی مشخص و تنها محصول خلاقیت فرد یا افراد است؛ لذا عقد آریایی یک سنت اصیل ایرانی نیست و ریشه در فرهنگ اسلامی ندارد.

تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی به جای نکاح شرعی، طی سال‌های اخیر در بین جوانان رواج یافته است و دلایل استقبال جوانان از این نوع عقد، به انگیزه‌هایی همچون پاسداشت زبان مادری، گرایش به سنت آریایی‌ها، تأکید بر لزوم وفاداری به جای تعهدات مالی و جنسی و امکان اجرای عقد توسط زوجین با الفاظ آهنگین به جای واژه‌های عربی و... مربوط می‌شود. لذا، دلایل مختلفی در گرایش جوانان به خواندن عقد ازدواج آریایی دخیل بوده که در ذیل، به تحلیل این دلایل پرداخته می‌شود:

الف) استفاده از الفاظ زیبا و آهنگین زبان فارسی: در عقد ازدواج آریایی، از الفاظ زیبا و آهنگین فارسی که دلالت بر اراده زوجین بر آغاز زندگی مشترک دارد، استفاده می‌شود و اجرای صیغه بر عهده خود زوجین است؛ حال آنکه در عقد نکاح شرعی، از الفاظ عربی

وفادار تو خواهم ماند در هر لحظه در هر جا

پذیرا می‌شوی آیا؟

تو با من اینچنین هستی که من با تو؟

زن: به نام نامی یزدان

پذیرا می‌شوم تو را از جان

هم اکنون باز می‌گویم میان انجمن با تو

وفادار تو خواهم بود، در هر لحظه، در هر جا، برای زیستن با تو

تو هم با من چنان با مهر پیمان کن که من با تو

مرد و زن با هم: تو چون هم آشیان خواهی شدن با من

تمام عمر خواهم بود یک جان در دو بدن با تو

در پایان، پیمان بان، با قرائت متن نیایش، از خداوند برای ایشان طلب خوشبختی، عشق، برکت و فرزندان نیکو می‌کند.

۱. بنا بر نقل نیکنام در کتاب یادگار دیرین، مراسم ازدواج زرتشتیان که به پیمان گواه گیران مرسوم بوده است به شرح زیر است:

ابتدا موبد به زبان اوستایی، خوشنودی و یاری اهورامزدا را خواستار شده و سپس به زبان پارسی چنین گزارشی را بر زبان می‌آورد: در خجسته پیوند زنوشویی که به روش دین وه مزدیسنی به گاه فرخنده در فرخ روز... از ماه... به سال... در... به خوشنودی دادار اورمزد رایومند و خروهمند، به یاری امشاسپندان پیروزگر، به همراهی مهر و سروش و روشن راست، به شادی فروهر اشوزرتشت اسپنتمان و به گواهی نیکان باشنده در این جشن باشکوه.

و ناآشنا برای فارسی‌زبان استفاده می‌شود و اجرای صیغه نیز بر عهده وکیل گذاشته می‌شود که زوجین بدون هیچ درکی از معانی این الفاظ، رضایت باطنی خود را بر ازدواج اعلام می‌نمایند.

ب) پایبندی به زبان و فرهنگ فارسی: برخی از جوانان، با تصوّر اینکه عقد ازدواج آریایی ریشه در سنت پیشینیان (زرتشتیان) دارد، به‌منظور پاسداشت فرهنگ و زبان فارسی به‌عنوان یک ارزش ملی در تمام ابعاد زندگی از جمله امر ازدواج، گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی دارند؛ درحالی‌که وجود کلماتی مانند «عمر» «لحظه» و «وفا» که واژگان عربی هستند، پایبندی کامل به فرهنگ و زبان فارسی را تأمین نمی‌کند.

ج) تأکید بر وفاداری و مهرورزی: محتوای عقد آریایی، بیشتر بر لزوم وفاداری، مهرورزی، همتی و هم روانی زوجین تأکید دارد؛ درحالی‌که الفاظ عقد نکاح شرعی، یادآور تعهد زوجین به حفظ روابط جنسی و یادآور تعهدات مالی زوج در موضوع مهریه است. بر همین اساس، برخی از زنان و دختران، دون شأن خود می‌دانند که رضایت خود را بر نکاح با الفاظ شرعی اعلام کنند و بیشتر به دنبال پیمان بر حقوق و تکالیف معنوی و عاطفی یکدیگر در مقابل هم هستند و آن را با روحیات خود سازگارتر می‌دانند.

د) تأکید بر نظام تک‌همسری در عقد ازدواج آریایی: در عقد ازدواج آریایی، از آنجایی‌که مکرراً از وفاداری طرفین به یکدیگر سخن به میان می‌آید، نظام تک‌همسری را به‌عنوان یک ارزش بنیادین در فرهنگ ایرانی و به‌عنوان طبیعی‌ترین شکل نهاد اجتماعی حقوقی ازدواج به رسمیت می‌شناسد؛ حال‌آنکه در نکاح شرعی، روابط مشروع زوج با زنان دیگر خارج از چارچوب خانواده (از جمله نکاح موقت یا ازدواج مجدد مرد) منافاتی با وفاداری ندارد و این از نظر جوانان، نقض وفاداری به حساب می‌آید.

۳. چالش‌های برگزاری عقد ازدواج به‌صورت آریایی

در برگزاری عقد ازدواج به‌صورت آریایی، یک سری چالش‌هایی از نظر فقهی و اجتماعی مطرح می‌شود که در ذیل، به این چالش‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱. چالش‌های فقهی برگزاری عقد ازدواج آریایی:

بسیاری از فقها، قائل به عدم صحّت عقد ازدواج آریایی هستند؛ چنانکه برخی از مراجع تقلید از جمله آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی صراحتاً فتوا داده‌اند که: «عقد آریایی، عقد شرعی

نیست و جایز نیست به آن بسنده و اکتفا نمود» در خصوص عدم صحّت عقد ازدواج آریایی دلایل مختلفی ارائه شده است که صحّت این نوع نکاح را با چالش مواجه می‌کند؛ از جمله:

عدم صراحت داشتن الفاظ بکار رفته در عقد ازدواج آریایی بر ایجاب و قبول نکاح:

رکن اساسی عقد نکاح، صیغه یا همان ایجاب و قبول است (جزیری، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۱۶) و مشهور فقهای امامیه، صیغه عقد نکاح را منحصر در الفاظ سه‌گانه (انکحْتُ، زَوَّجْتُ و مَتَّعْتُ) می‌دانند؛ در حالی که غالب فقیهان اهل سنت و برخی از فقهای امامیه، صیغه نکاح را منحصر در الفاظ خاصی نمی‌دانند بلکه هر لفظی که مقصود طرفین را برساند، برای انعقاد نکاح کافی می‌دانند. (جزیری، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۶؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ص ۹۰) گروهی دیگر از فقهاء نیز، میان ایجاب و قبول تفصیل قائل شده‌اند و معتقدند: ایجاب نکاح تنها با الفاظ بکار رفته در قرآن و سنت یعنی (انکحْتُ، زَوَّجْتُ و مَتَّعْتُ) منعقد می‌شود ولی در قبول، لفظ خاصی شرط نیست بلکه هر لفظی که بیانگر رضایت فرد برای انجام نکاح باشد، کفایت می‌کند. (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۸) حال به تحلیل نویسنده، در عقد آریایی، از عباراتی همچون «وفادار تو خواهم ماند در هر لحظه «یا» تو را من برگزیدم... برای زیستن» برای ایجاب عقد نکاح استفاده می‌شود که صراحتی در عقد نکاح ندارد؛ بلکه از نوعی الزام به وفاداری زوجین سخن به میان می‌آید که از ملزومات عقد نکاح است و پس از انعقاد عقد نکاح، بر آن مترتب می‌شود. این در حالی است که در مراسم ازدواج زرتشتیان، موبد صراحتاً از عروس می‌پرسد آیا داماد را به همسری خود برمی‌گزیند و او در جواب، می‌گوید: بله. این ایجاب و قبول، صراحت در انعقاد عقد نکاح دارد و شاهدی است بر مدّعی ما، که ایجاب و قبول نکاح باید با الفاظ صریح باشد.

۱. شبهه در انعقاد صیغه نکاح آریایی به الفاظ فارسی غیر صریح: اگرچه در خصوص لزوم

اجرای صیغه نکاح به زبان عربی، میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد؛ به طوری که برخی از فقها، اجرای صیغه را تنها به زبان عربی جایز می‌دانند؛ (محقق کرکی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۴۵) در مقابل برخی دیگر، اجرای صیغه به زبان عربی را شرط ندانسته بلکه انعقاد نکاح را به الفاظ رایج در عرف و زبان متعاقدین از جمله به زبان فارسی — به شرطی که معنای صیغه عربی به درستی القاء شود تا مفهوم واقعی زوجیت ایجاد گردد — نیز جایز می‌دانند. (انصاری، ۱۴۲۰، ص ۷۹؛ طوسی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹) و به اذعان قائلین به صحّت عقد ازدواج آریایی، فارسی بودن الفاظ انشای عقد، خللی به صحّت آن وارد نمی‌کند؛ لیکن از آنجایی که در متن عقد آریایی به صراحت از پیمان بر نکاح زناشویی سخن به میان نیامده است بلکه به یک سری سوگند بر لزوم

وفاداری و مهرورزی با یکدیگر تأکید شده است، وجود ابهام در صحت انعقاد نکاح با متن مذکور، وجوب احتیاط را می‌طلبد؛ از آنجایی که برخی از فقها، احکام باب نکاح را سخت‌گیرانه تلقی نموده و با استناد به ضرورت حفظ انساب، استحقاق میراث و...، به شدت بر رعایت قوانین فقهی باب نکاح و فروج تأکید دارند، حکم به جواز نکاح و حلّیت آن را منحصر به عقد شرعی با الفاظ خاصی - که صراحت در ازدواج دارد - می‌دانند؛ لذا در خصوص عقد نکاح آریایی، قائل به صحّت صیغه نیستند و احتیاط را در اجرای صیغه نکاح شرعی می‌دانند.

۲. شبهه در تحقق زوجیت و ایجاد محرّمیت از طریق اجرای عقد نکاح آریایی: هر عقدی که مطابق شریعت اسلام اجرا نشود، معتبر و محقق زوجیت نخواهد بود؛ رکن اساسی در عقد نکاح، صیغه یا همان ایجاب و قبول است؛ (جزیری، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۱۶) و از آنجایی که صیغه معتبری در ایجاب و قبول عقد ازدواج آریایی وجود ندارد، از این جهت که محقق زوجیت هست یا خیر، مشکوک است. فقیهان امامیه با نظر به نصوص و ادله شرعی، شرایط اساسی صحت هر عقد را در شریعت اسلام تبیین کرده و پس از آن در تمامی عقود که بدون رعایت این شرایط منعقد شود، اصل را بر فساد گذارده‌اند. (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۳۴۵) بر همین اساس، از نظر فقه اسلامی، عقد نکاح آریایی فاقد شرایط صحت عقد است؛ به این جهت که: در اسلام، ایجاد محرّمیت از طریق عقد نکاح منوط به این است که زن بگوید: «خودم را به نکاح تو در آوردم» و مرد نیز در پاسخ بگوید: «ازدواج را قبول کردم» و از آنجایی که متن خطبه عقد آریایی فاقد این عبارات و معانی است؛ پس با عدم اعتبار متن خطبه، عقد نیز از اعتبار ساقط می‌شود و اجرای صیغه به صورت عقد ازدواج آریایی، هیچ محرّمیتی را میان زن و مرد ایجاد نمی‌کند.

۳. شبهه در وقوع عقد نکاح آریایی به صورت عقد لازم یا جایز: در خصوص لازم یا جایز بودن عقد نکاح آریایی، شبهه وجود دارد از این جهت که: نکاح چون عقد به شمار می‌آید، مانند همه عقود دیگر نیازمند ایجاب و قبول است. به عقیده برخی از فقها، نکاح از جمله عقود لازمی است که تنها با الفاظ صریح و بیان کننده مقصود حاصل می‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۲۹) حال چه قائل به صحّت صیغه نکاح به الفاظ عربی شویم و چه به زبان فارسی، آنچه بدیهی است این است که ایجاب نکاح به هر زبانی که بیان شود، باید صراحت در وقوع نکاح داشته باشد. در متن عقد ازدواج آریایی، از یکسری سوگند بر لزوم وفاداری و مهرورزی استفاده شده که صراحت در نکاح ندارد. حال، از آنجایی که در

خصوص انعقاد نکاح به شیوه عقد ازدواج آریایی و صحت ایجاب و قبول (صیغه) آن شبهه وجود دارد، عقد بودن آن نیز مشکوک است و نمی‌توان از لازم یا جایز بودن آن سخنی به میان آورد.

۴. **عدم شفافیت در حقوق و وظایف زوجین و برخوردار نبودن از حمایت‌های قانونی:** در عقد ازدواج آریایی، به دلیل عدم شفافیت در حقوق و وظایف زن و مرد و ضعف در حمایت‌های قانونی و اخلاقی، ابهام وجود دارد؛ از آنجایی که در این نوع عقد، از تعهدات مالی سخنی به میان نمی‌آید، پس این نوع ازدواج نمی‌تواند به گونه‌ای مؤثر و مثبت بر روابط خانوادگی تأثیر بگذارد. (محمدزاده و اجتهادی، ۱۴۰۲، ص ۱۸۱) از آنجایی که عقد ازدواج، بار حقوقی دارد، یعنی احکام حقوقی به دنبال دارد؛ پس باید الفاظش دقیق باشد و نمی‌توان آن را با کلمات احساسی و عاطفی بیان کرد. این در حالی است که در عقد نکاح اسلامی، تأکید بر تعهدات مالی زوج و وظایفی زوجین در مقابل هم، هم ضمانت اجرایی برای دوام زوجیت و جلوگیری از تضییع حقوق زوجین و هم راهکاری در جهت تحقق حسن معاشرت است.

۵. **منافات داشتن عقد ازدواج آریایی با تعدد زوجات و چندهمسری:** در عقد ازدواج آریایی، با تأکید مکرر بر وفاداری، نظام تک‌همسری به‌عنوان یک ارزش بنیادین در فرهنگ ایرانی به رسمیت شناخته می‌شود و از آنجایی که ازدواج مجدد مرد با زنان دیگر، نقض وفاداری به شمار می‌آید؛ لذا، در منافات با تعدد زوجات و چندهمسری مرد قرار می‌گیرد. (همان) این درحالی که در عقد ازدواج اسلامی، هم صیغه ایجاب و قبول مشخص است هم دایره حقوق و تکالیف زوجین به‌خوبی ترسیم شده است و هم چندهمسری به‌صراحت آیه قرآن (نساء: ۳) و روایات (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۰، ص ۵۱۷؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ۴۲۵؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۱۴۹) و سیره پیامبر و ائمه بر چندهمسری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۱۷۰) مجاز شناخته شده است.

۳-۲. چالش‌های اجتماعی برگزاری عقد ازدواج آریایی

عقد اسلامی، با مبانی مستند به قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شکل گرفته است و برپایه اصولی چون صداقت، عدالت و احترام به حقوق طرفین استوار است. درخواست برای عقد ازدواج آریایی ممکن است به‌طور ناخواسته، اصول بنیادین اسلام را نادیده بگیرد و به ایجاد دوگانگی فرهنگی منجر شود. افرادی که با عقد اسلامی آشنا هستند، ممکن است از این تفاوت‌ها دچار

تردید یا سردرگمی شوند؛ این دوگانگی می‌تواند باعث انکار ارزش‌های اسلامی در جامعه شود که به‌نوبه خود به مشکلات اجتماعی و خانوادگی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، جدا کردن سنت ازدواج اسلامی از سنت‌های قومی و ملی، می‌تواند به کاهش احترام به هنجارهای اسلامی منجر شود؛ در این صورت جوانان ممکن است دیدگاه مثبتی نسبت به تعالیم اسلامی نداشته باشند و به‌سوی آداب و رسوم غیر مذهبی گرایش یابند. همچنین، بعضی از آداب و رسوم باستانی ممکن است باعث تفرقه میان مسلمانان شود؛ مخصوصاً اگر این رسوم خاص، یک قوم یا نژاد خاصی را بر دیگران ارزشی بیشتر بدهد. بر همین اساس، برخی چالش‌های اجتماعی در گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی مطرح می‌شود که در ذیل، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

مذمت تقلید کورکورانه از سنت پیشینیان: موضوع مذمت تقلید کورکورانه از سنت پیشینیان، در آموزه‌های دینی و اسلامی به‌وضوح مشاهده می‌شود. در قرآن نیز توجه ویژه‌ای به اهمیت اجتهاد، تفکر و تعقل در دین و پرهیز از تقلید صرف از سنت‌های نادرست پیشینیان وجود دارد؛ در ذیل به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

الف) «وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره، ۱۷۰) و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند؟]

ب) «وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (مائده، ۱۰۴) ترجمه: و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به‌سوی پیامبر [ش] بیایید، می‌گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند.

ج) «وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» (لقمان، ۲۱) و چون به آنان گفته شود آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه] بلکه آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند شیطان آنان را به‌سوی عذاب سوزان فراخواند.

نحوه استدلال: بر اساس این آیات، قرآن از مشرکان می‌پرسد: آیا کسانی که درک درستی نداشتند و به راه درست نمی‌رفتند، درخور پیروی هستند؟ اگر آنان دانشمند و صاحب اندیشه و هدایت یافته بودند، جای آن بود که مورد تبعیت قرار گیرند؛ اما آنان مردمان نادانی بودند که سزاوار

الگو قرار گرفتن و پیروی نبودند. تقلید کورکورانه و بی‌منطق، همواره از موانع رشد و حرکت روبه‌جلوی انسان تلقی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳۴) تقلید کورکورانه و پیروی بدون فکر و اندیشه از نیاکان، علاوه بر اینکه مصداق تقلید جاهل از جاهل است، نوعی اسارت فکری را نیز برای مردم به دنبال دارد؛ زیرا بدیهی است که نسل‌های بعدی از علم و تجربه بیشتری از نیاکان و گذشتگان خود برخوردارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰۵) حال، تقلید کورکورانه از سنن و آداب و رسوم گذشتگان، نتیجه‌ای جز عقب‌گرد فکری و فرهنگی به دنبال نخواهد داشت و قدرت تفکر و اندیشیدن را از انسان می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۶) از این رو برخی از مفسران با عنایت به آیه ۱۶۹ سوره بقره که همگان را از پیروی خطوات شیطان نهی فرموده، تقلید نابخردانه و کورکورانه را، یکی از موارد گام نهادن در خطوات شیطان توصیف نموده‌اند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۹؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۹۷) لذا این آیات، به‌وضوح بیانگر ناپسندی تقلید کورکورانه از سنت‌های غلط است و تأکید می‌کند که انسان باید به علم و هدایت توجه کند و بر اساس شناخت خود عمل نماید.

در نقد تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی در پیروی از سنت کوروش کبیر باید گفت: گرایش به این سنت خاص، با توجه به انگیزه‌ها و محتوای واقعی آن، مصداق قطعی «تقلید کورکورانه» و امری مذموم است؛ با این تحلیل که: درست است که تمدن، جزئی از تاریخ سرنوشت هر شخص و کشور است و هیچ‌کس با تمدن و تاریخ سرزمینش مخالف نیست؛ لیکن اگر روی آوردن به تمدن پیشینیان از جمله کوروش و کوروش پرستی و تلقین و تبلیغ دین آریایی از جمله تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی، از باب بدعت در دین و سست کردن اعتقادات مردم و رویگردانی جوانان از دین اسلام و به عبارتی قرار گرفتن تمدن در برابر دین اسلام باشد، نه تنها مذموم و ناپسند است؛ بلکه باید به شدت با آن مبارزه کرد و از گسترش آن جلوگیری کرد. بدیهی است گرایش به فرد یا گروه خاص یا تعصب به چیزی یا گروهی موجب می‌شود که انسان چشم و گوش بسته و کورکورانه، پیروی از افراد و گروه‌ها و اعمال و رفتار آنان نماید؛ بدون اینکه به‌درستی یا نادرستی کارش توجه نماید. همچنین از استقلال فکری، تحقیق و تحلیل مسائل بهره نبرد و دربند تمایل و علاقه خود به حزب یا اشخاص موردعلاقه خود گرفتار آید که این خود، یکی از آفات دین‌داری است.

۱. **حرمت وهن احکام اسلام:** وهن به معنای بی‌احترامی و تضعیف است و وهن احکام اسلام، به مفهوم هر نوع عملی است که موجب تضعیف شریعت و آموزه‌های دینی می‌شود. فقهاء متفق‌القول هستند که هرگونه عملی که به وهن احکام یا تضعیف دین منجر شود، حرام است. بر اساس آیات قرآن از جمله آیه ۱۵۹ سوره بقره، تحقیر و پنهان کردن حقایق دینی قابل اغماض نیست.

بر اساس آیه ۱۵۹ سوره بقره: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم نهفته می‌دارند، آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت کنندگان لعنتشان می‌کند.

نحوه استدلال: این آیه به تأکید بر لزوم تبلیغ و ترویج آموزه‌های صحیح و پرهیز از هرگونه سکوت و کتمان نسبت به احکام اسلامی اشاره دارد. بدیهی است حفظ حرمت احکام دینی و تلاش برای درک و تبیین آن‌ها، جزء اصول اساسی در زندگی مؤمنان است؛ در غیر این صورت، وهن احکام دین ممکن است به بی‌اعتمادی جامعه به دین منجر شود.

در نقد گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی از منظر حرمت وهن دین باید گفت: شارع مقدس کسانی که دین خود را لَهو و لَعِب (بازیچه) بشمارند، نکوهش فرموده است.^۱ لَعِب شمردن دین به معنای اعتنا نکردن، سبک شمردن و جدی نگرفتن دستورات آن (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۱) و برخورد دلبخواهی کردن با دستورات دین است؛ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۵۵) بدین معنا که به آنچه از دستورات دین که تمایل دارند، عمل می‌کنند و آنچه را که موردپسند آنان نیست، کنار می‌گذارند. این آیه شریفه، دلالت بر این دارد که حقیقت دین و دین‌داری حقیقی، تسلیم بودن و خضوع و گردن نهادن کامل در مقابل احکام و قوانین تکوینی و تشریعی خداوند است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۹۰) حال، هرگاه عمل یک مسلمان، باعث بدبینی سایر اعضای جامعه و ادیان دیگر نسبت به دین و مذهب اسلام شود، از باب دلیل عقلی باید ترک شود؛ زیرا خدشه‌دار نشدن و عدم تضعیف دین، بسیار مهم‌تر از انجام یک عمل مباح یا تطبیق مستحب و واجب بر مصداق خاص است. حال، روی آوردن جوانان به خواندن عقد ازدواج آریایی بجای عقد نکاح اسلامی، ممکن است باعث ضعیف و سست جلوه دادن دین اسلام در نزد پیروان ادیان دیگر شود که این کار جایز نیست. به تحلیل نویسنده، اگر افرادی با رواج عقد آریایی قصد داشته باشند فرهنگی را در مقابل فرهنگ دینی اسلام ترویج دهند که باعث تضعیف فرهنگ دینی اسلامی شود، این عمل قطعاً حرام و جایز نیست؛ ولی اگر انگیزه‌شان به هیچ‌وجه صدمه زدن به فرهنگ اسلامی نباشد و فقط بخواهند مراسم عقدشان را زیباتر کنند، به‌خودی‌خود کار حرامی نیست؛ مگر اینکه بخواهند فرهنگی را در مقابل اسلام ترویج دهند که در این صورت، هر فعل حرامی تحت هر عنوانی

۱. «وَدَّرَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» (انعام، ۷۰) «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نُنَسِّسُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (اعراف، ۵۱)

قابل قبول نخواهد بود. حال، در شرایط کنونی جامعه، که نوعی دین‌گریزی و جبهه‌گیری در مقابل احکام اسلام وجود دارد، تأکید بر سنت‌های آریایی از جمله عقد ازدواج آریایی – که صحت آن مشکوک است – نتیجه‌ای جز وهن دین و سبک شمردن احکام اسلام به دنبال نخواهد داشت.

۲. **وجوب تبعیت از سنت پیامبر به عنوان الگوی حسنه:** «سنت» یا «سیره» عبارت است از روش، طریقه عمل و یا رفتاری که با تکرار و استمرار همراه باشد، به نحوی که پس از مدتی به صورت یک قاعده و قانون برای رفتار تبدیل شود. (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۶، ص ۷۲) در اصطلاح، سنت به گفتار، کردار و تقریر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاق می‌شود (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۸) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) مصداق کامل الگوی حسنه به شمار می‌آیند. دلیل ما بر الگوی حسنه بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و وجوب پیروی از سیره و سنت ایشان، استناد به آیات قرآن است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در قرآن، به عنوان «الگوی حسنه» معرفی شده است؛ از جمله آیاتی که دلالت بر مطلب دارد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» (احزاب، ۲۱)
 قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد.

نحوه استدلال به آیه: این آیه تصریح می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمونه‌ای برجسته از رفتار و کردار انسانی است که می‌تواند راهگشای مؤمنان باشد و هر کس در پی سعادت ابدی در تمام جهات و رفتارهاست، به پیامبر تأسی کند؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) بهترین الگوی برای تمامی بشریت است در تمام ابعاد.

در تفسیر آیه گفته شده است: کلمه (أسوة) به معنای اقتداء و پیروی است، و معنای «فِي رَسُولِ اللَّهِ» یعنی در مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اسوه در مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عبارت است از پیروی او، و اگر تعبیر کرد به «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» – شما در مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تأسی دارید که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می‌کند –، برای این است که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است، و شما همیشه باید به آن جناب تأسی کنید. و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ایمان آوردن شما، این است که به او تأسی کنید، هم در گفتارش و هم در رفتارش، و شما می‌بینید که او در راه خدا چه مشقت‌هایی تحمل می‌کند، و چگونه در جنگ‌ها حاضر شده، آن‌طور که باید جهاد می‌کند، شما نیز باید از او پیروی کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۳۲)

ب) «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر، ۷) از دستورات نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) پیروی کرده، فرمان‌های او را به‌جای آورید و آنچه را از آن بازداشته است، رها سازید.

ج) «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (انعام، ۵۹) و از خدا و رسول اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

امام علی (علیه‌السلام) پیامبر خدا را الگوی شایسته معرفی می‌کند و الگوپذیری از ایشان را برای همگان بسنده می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «از پیامبر پاک و پاکیزه‌ات پیروی کن؛ زیرا راه و رسمش سرمشقی است برای کسی که بخواهد الگویی شایسته داشته باشد و انتسابی است برای کسی که بخواهد (بدو) منتسب گردد و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق بگیرد و گام بر جای گام او بگذارد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۰) امام صادق (علیه‌السلام) هم در بیان اهمیت الگوگیری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَمُوتَ وَقَدْ بَقِيَتْ عَلَيْهِ خَلَّةٌ مِنْ خِلَالِ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَأْتِهَا» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۵۴) ترجمه: دوست ندارم مسلمانان بمیرد، مگر اینکه تمام آداب و سنت‌های رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را [اگرچه یک‌بار] انجام دهد.

در نقد تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی با تکیه بر لزوم الگوپذیری از سیره و شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) باید گفت: بر اساس تعالیم اسلامی، سنت به‌عنوان خط‌مشی عملی و الهام‌بخش در زندگی روزمره مسلمانان اهمیت دارد و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به‌مثابه منبع رهنمودها و اعمالی است که مسلمانان باید در زندگی خود بکار ببرند و پیامبر را به‌عنوان الگوی حسنه، در زندگی خویش سرمشق قرار دهند. این‌همه تأکید بر الگوپذیری از سنت و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به‌عنوان الگوی حسنه، بدان جهت است که بنا بر آموزه‌های قرآنی، الگوی حسنه، به معنای پیروی از بهترین رفتارها، ویژگی‌ها و اخلاقیات، در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تجلی یافته است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۵۸۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۲۵۲، صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۷۵۷۶) موضوع الگو بودن پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) و اهمیت تبعیت از سنت‌های ایشان به‌ویژه در امور زندگی و ازدواج، یکی از مباحث مهم در فلسفه و فرهنگ اسلامی است؛ از این جهت که: در مقایسه با سنت‌های غیردینی مانند سنت کوروش کبیر در عقد ازدواج آریایی، تأکید بر رعایت سنت پیامبر به دلیل آموزه‌های دین و کارآمدی آن در ایجاد یک خانواده پایدار و متعادل اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳. جامعیت دین اسلام: اسلام دینی است که داعیه جاودانگی، جامعیت و جهان‌شمولی

دارد و خواهان گسترش آموزه‌های خود در تمام نقاط عالم است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹) قرآن مجید از دین اسلام با وصف (تمام و کمال) یاد کرده، می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده، ۳) ترجمه: امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به‌عنوان] آیینی برگزیدم. به همین دلیل، آورنده این دین نیز، شخصیتی تام و کامل است و کمترین نقص و عیب و آلودگی به حریم مقدسش راه نمی‌یابد. او انسان کاملی است که در همه کمالات به نقطه اوج رسیده و جامع و کامل‌کننده همه خوبی‌ها شده است؛ چنان‌که سخن نغز آن حضرت: (أُعْطِيَتْ جَوَامِعَ الْكَلِمِ) (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۱۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۰) بدان اشارت، بلکه تصریح دارد. این جامعیت در سه بخش عقاید، اعمال و اخلاق به منصف ظهور رسیده است.

در نقد تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی با تکیه بر جامعیت دین اسلام باید گفت: اولاً در خصوص نسخ شریعت‌های پیشین بین اصولین و متکلمین تردیدی وجود ندارد؛ آنچه مورد اختلاف است نسخ تمامی احکام شرایع گذشته یا برخی از احکام توسط دین اسلام است. در این خصوص، برخی از فقیهان با استناد به آیه ۱۰۶ سوره بقره^۱ و برخی روایات^۲ و اجماع پیشینیان، قائل به نسخ تمامی احکام شرایع گذشته هستند (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷) و برخی دیگر با پذیرش خاتم الأنبياء بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به‌عنوان یکی از ضروریات دین اسلام، آن را ملازم با نسخ کلی شرایع گذشته دانسته‌اند. (مظفر، ۱۳۷۰، ص ۷۹) حال بر اساس قول این گروه از فقها - که قائل به نسخ کلی شرایع گذشته هستند - عقد آریایی به فرض مطابقت کامل با عقد باستانی (به‌زعم طرفداران این عقد) چون مطابق با شریعت اسلام نیست، مشروع نخواهد بود؛ زیرا این عقد تا پیش از ظهور اسلام مشروعیت داشته و با آمدن اسلام و نسخ شرایع پیشین، مشروعیت خود را از دست داده است. بدیهی است «هر کتاب و شریعت لاحقی، کامل‌تر از کتاب و شریعت سابق است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸) ثانیاً رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جهانی و کلی و دائم است و برای هر فرد و در هر زمان خواهد بود. منطقه نفوذ رسالت آن حضرت، به گستره قلمرو انسانیت است و تا آنجا که فکر و اندیشه آدمی مطرح باشد، محل تابش شعاع رسالت است؛ به‌گونه‌ای که هیچ فردی از شمول این حکم مستثنا نیست، خواه مؤمن باشد یا کافر. (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۷۱) بر همین اساس، سیره و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر همگان حجت است و

۱. «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۲. «ان الله عزوجل جعل كتابي مهيناً على كُتُبهم الناسخ لها»

دلیلی بر مراجعه به سنت پیشینیان از جمله سنت کوروش کبیر در عقد ازدواج نیست.

۴. حرمت گرایش به نژادپرستی آریایی به جای تأکید بر اخوت دینی: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

بر اساس این آیه، قرآن، هرگونه تبعیض نژادی و برتری‌های قومی، قبیله‌ای را نفی نموده و ملاک برتری انسان‌ها را در تقوا، عمل صالح و دیگر فضیلت‌های انسانی می‌داند. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۹۵) در آیه ۱۳ سوره حجرات، که از آن برای نفی تبعیض نژادی استفاده شده، گفته شده که همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها درآمده‌اند. (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۶۷) قرآن برای از بین بردن تبعیض نژادی، تصویری واضح از خلقت انسان‌ها و راز تفاوت آنان، معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها و جهان‌شمولی اسلام ارائه می‌کند. همچنین با پایه‌گذاری مناسباتی چون اتحاد، عدل و مهرورزی به همه مردم، تعاون بر اساس نیکی و تقوا و عمومی‌سازی فرهنگ مشورت، که همگی پیوند افراد اجتماع را از هر نژادی فراهم می‌آورند، سعی می‌کند هرگونه تبعیض نژادی را از جامعه دور سازد. (جعفری و جلالی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱)

بر همین اساس، امام خمینی، مسلمانان را به‌مثابه دست واحد و دارای مسؤولیت یکسان دانسته و تبعیض نژادپرستی میان ملت‌های مسلمان را حرکتی غیر اسلامی می‌دانست. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۱۰) ایشان معتقد بود هدف از تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد وحدت و برابری بوده و هیچ نژادی بر دیگر اقشار برتری ندارد. (همان، ج ۱۳، ص ۴۴۵) ایشان تمام مسلمانان را از مصر تا ایران برابر دانسته و از میان رفتن این تبعیض را از برکات اسلام می‌دانست. (همان، ج ۱، ص ۴۸۵)

در نقد تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی با تکیه بر حرمت گرایش به نژادپرستی آریایی باید گفت: نژادپرستی، به‌طورکلی به باورهایی اشاره دارد که بر اساس آن‌ها، یک گروه نژادی خود را برتر از دیگران بداند. در این راستا، مفهوم نژادپرستی در تاریخ ایران و به‌ویژه در مورد کوروش کبیر و گرایش‌های فرهنگی ایرانیان به او می‌تواند متفاوت تفسیر شود. در بعضی موارد، برخی افراد یا گروه‌ها ممکن است برای تقویت هویت ملی خود به دستاویزهایی همچون کوروش کبیر و تاریخ باستانی ایران روی آورند. این‌گونه تفسیرها ممکن است گاهی به تحریف تاریخ و تأکید بیش‌ازحد بر برتری «نژاد» یا «قوم» ایرانی از دیگر ملت‌ها منجر شود. و در صورتی که به‌طور افراطی پیگیری

شود، می‌تواند به‌نوعی نژادپرستی یا قوم‌گرایی تبدیل شود. اما باید توجه داشت که در بسیاری از موارد، علاقه ایرانیان به کوروش کبیر و تاریخ ایران، بیشتر به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و ملی است تا دلیلی برای نفی یا تحقیر دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌ها. در این حالت، این گرایش بیشتر به‌عنوان یک نوع ناسیونالیسم فرهنگی با هویت‌سازی تاریخی دیده می‌شود که در آن هدف، برجسته‌سازی نقاط قوت تاریخ ایران است. بر همین اساس، اگر گرایش به خواندن عقد ازدواج آریایی، از باب نژادپرستی و قوم‌گرایی باشد، قطعاً مذموم و ناپسند است؛ ولی اگر از باب تقویت هویت فرهنگی و ملی باشد، اشکالی ندارد.

۵. حرمت بدعت در دین: در روایات، بدعت در مقابل سنت به‌کاررفته است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۴۰۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۵۳) سنت، یعنی طریقه و روشی که پیامبر آن را بنیان گذاشته و بر آن مواظبت می‌کرده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۳۷) به قرینه مقابله روشن می‌گردد که بدعت، طریقه و شیوه‌ای است که بانی آن پیامبر نبوده و دیگران، آن شیوه را به نام دین رواج داده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۷۳) فقه اسلامی به شدت بر جلوگیری از بدعت‌هایی تأکید دارد که ممکن است موجب انحراف از سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و آموزه‌های اصیل دین شوند. بسیاری از آداب و رسوم باستانی ممکن است در تناقض با سنت‌های اسلامی باشند و به‌عنوان بدعت شناخته شوند؛ حال اگر برگزاری مناسک باستانی به‌عنوان بخشی از دین تلقی شود و به‌نوعی دین را تغییر دهد، می‌توان آن را به‌عنوان بدعت مذموم قلمداد کرد.

در نقد تمایل به خواندن عقد ازدواج آریایی با تکیه بر حرمت بدعت در دین باید گفت: عدم پیروی از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) موجب ایجاد تفرقه و ناهماهنگی در جامعه اسلامی می‌شود؛ در عصر حاضر، بسیاری از انحرافات اجتماعی و اخلاقی در جوامع اسلامی، ناشی از فاصله‌گیری از سنت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. از سوی دیگر، فقیهان، هرچه را مصداق بدعت باشند، حرام می‌دانند؛ (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۳۱۹) حال، از آنجایی که عقد ازدواج آریایی، بر اساس سنت‌های ایرانی و پیش از اسلام شکل گرفته و در متون اسلامی و فقهی به‌عنوان نوعی ازدواج مورد تأیید نیست و چه‌بسا ممکن است به دلیل انحراف از اصول دین، سبب گمراهی شود و تعالیم اصیل دینی را تحت تأثیر قرار دهد؛ در نتیجه نمی‌تواند به‌عنوان یک عقد اسلامی به شمار رود و چه‌بسا ممکن است بدعت در دین نیز تلقی شود. به این دلیل که: در شرع مقدس اسلام، هر عقدی بر اساس شرایطی که شارع برای آن وضع کرده، منعقد می‌شود و صحت عقد و ترتب آثار آن در اختیار شارع و نیازمند دلیل است و بدون وجود دلیل، هر عقدی باطل و بی‌اثر خواهد بود. بر همین اساس، فقهای امامیه نیز با توجه به نصوص و ادله شرعی، شرایط اساسی برای صحت هر عقدی را تبیین

می‌کنند و پس از آن در تمام عقودی که بر اساس این شرایط منعقد شوند، اصل را بر صحت و در تمام عقودی که بدون رعایت این شرایط منعقد شوند، اصل را بر بطلان و فساد می‌گذارند. (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۳۴۵) حال در عقد آریایی، به دلیل تفاوت‌هایی که در ارکان و شرایط این عقد با عقد شرعی وجود دارد و همچنین ابهامی که در انعقاد عقد نکاح با الفاظ بکار رفته در عقد آریایی وجود دارد، همچنان صحت عقد مشکوک و محل تردید بین فقهاست و در هنگام شک در صحت عقد آریایی، جریان اصل فساد، نتیجه‌ای جز بطلان عقد به دنبال نخواهد داشت؛ لذا روی آوردن به این نوع نکاح، به‌عنوان یک سنت اصیل و ریشه‌دار و صرفاً برخاسته از خلاقیت افراد، نوعی نوآوری و بدعت در دین محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گرایش جوانان به خواندن عقد ازدواج آریایی به‌جای عقد اسلامی، اگرچه در ظاهر ممکن است مسأله‌ای ساده و کم‌اهمیت به نظر آید، اما در عمل با چالش‌های جدی فقهی و اجتماعی مواجه است؛ از جمله این چالش‌ها می‌توان به مواردی همچون وقوع نکاح شبهه‌دار (شبهه در انعقاد نکاح با الفاظ خطبه آریایی، شبهه در تحقق زوجیت و ایجاد محرمیت، شبهه در نوع عقد آریایی از نظر لازم و جایز بودن...) تقلید کورکورانه از سنت‌های پیشینیان، و هن احکام اسلامی، بدعت در دین، تمایل به تفکرات نژادپرستانه، گرایش به پیروی از سنت‌های باستانی زرتشتیان و بزرگنمایی شخصیت کوروش کبیر - به‌جای در نظر گرفتن جامعیت دین اسلام و لزوم پیروی از سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌عنوان الگوی حسنه - اشاره کرد؛ که این امر در درازمدت، نه تنها می‌تواند به تضاد با اصول اسلامی منجر شود، بلکه می‌تواند به یک دغدغه فرهنگی و اجتماعی نیز تبدیل گردد. بدیهی است تقلید کورکورانه از سنت‌های پیشینیان و هن احکام اسلامی، دو امر مهم و بحرانی هستند که نیاز به تأمل و انتقاد دارند. جامعه اسلامی باید بر اساس عقل و اندیشه، ضمن حفظ و احترام به اصول دین، در برابر تعصب و پیروی‌های غیرعقلانی ایستادگی کند. همچنین، الگوی حسنه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌عنوان یک مرجع دینی و عملی در زندگی مسلمانان نیز، باید در صدر توجه قرار گیرد؛ تأکید بر پیروی از سنت‌های ایشان به‌عنوان اصلی بنیادین در جامعه اسلامی، نه تنها می‌تواند باعث ترقی و تعالی فردی و اجتماعی شود، بلکه به انسجام بیشتر جامعه نیز کمک خواهد کرد و می‌تواند جامعه اسلامی را نسبت به چالش‌های کنونی مقاوم‌تر کند و به رشد و شکوفایی آن منجر شود. از سوی دیگر، گرایش ایرانیان به کوروش کبیر و تاریخ باستان ایران، اگرچه در برخی موارد ممکن است به نژادپرستی یا قوم‌گرایی تبدیل شود؛ اما در بسیاری از مواقع از نگاه فرهنگی و تاریخی

بوده است. این گرایش بیشتر به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت ملی و گرامیداشت ارزش‌های انسانی و اخلاقی کوروش و امپراتوری هخامنشی مشاهده می‌شود. نهایت اینکه، این گرایش به نژادپرستی تبدیل شود یا نه، بستگی به نحوه استفاده از این نماد تاریخی و گفتمان‌های پیرامون آن دارد؛ اگر از کوروش و تاریخ ایران به‌عنوان نمادی برای وحدت، صلح و احترام به دیگر ملت‌ها استفاده شود، این گرایش قطعاً از هرگونه نژادپرستی و تبعیض قومی دور خواهد بود؛ در غیر این صورت ممکن است به سمت تفکرات نژادپرستانه سوق پیدا کند. حال، برای مقابله با این چالش‌ها، ضروری است آگاهی‌های اسلامی در زمینه ازدواج و اهمیت آن در فرهنگ اسلامی، به‌طور عمومی تبیین گردد. ارتقای فرهنگ اسلامی و ترویج فهم صحیح از ارزش‌های دینی، می‌تواند به ایجاد توازن بین سنت‌های کهن و اصول اسلامی کمک کند و موجب تقویت هویت دینی و ملی در جامعه شود و از بحران‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز بکاهد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ق). کتاب من لایحضره الفقیه (جلد ۱)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۴ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری (جلد ۴)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۳. ابن حنبل، امام احمد (۱۴۱۶ق). مسند الامام احمد بن حنبل (جلد ۲)، بیروت: مؤسسه الرساله.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب (چاپ سوم، جلد ۱۳)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۵. آخوندی، حسن (۱۳۹۷). تقلید کورکورانه؛ آفت دینداری. مجله معرفت، دوره ۲۷، شماره ۶، پیاپی ۲۴۹، صص ۷۹-۶۹.
 ۶. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (جلد ۱۲)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۷. انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق). فراند الاصول (چاپ نهم، جلد ۳)، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
 ۸. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق). کتاب النکاح، قم: تراث الشیخ الاعظم.
 ۹. بیهقی، احمد (بی تا). السنن الکبری (جلد ۷)، بیروت: دارالفکر.
 ۱۰. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴ق). الفقه علی المذاهب الاربعه (چاپ دوم، جلد ۴)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۱. جعفری، رسول محمد و جلالی، مهدی (۱۳۹۰). راهبردهای قرآن برای مقابله با تبعیض نژادی. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۲، پیاپی ۱۶، صص ۱۶۳-۱۴۱.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). قرآن میزان شناخت قرآن. قم: نشر اسراء.
 ۱۳. الحرّ العاملی، محمد (۱۳۹۱). وسائل الشیعه (جلد ۲۰)، المطبعه الرابعه، بیروت: دار احیاء.
 ۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغت نامه (جلد ۴۷)، تهران: انتشارات روزنه.
 ۱۵. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۸ق). دلیل تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).

۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور (جلد ۶)، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، بیروت: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه (چاپ دوم، جلد ۲ و ۲۱). قم: فرهنگ اسلامی.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان (جلد ۱ و ۱۶ و ۱۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج (جلد ۱)، نجف اشرف: مطبعه النعمان.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ش). مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين، (جلد ۲ و ۳ و ۶)، تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۳. طوسی، محمد بن علی ابن حمزه (۱۴۰۹ق). الوسيله، قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعه (کتاب النکاح)، قم: مرکز فقه ائمه اطهار.
۲۵. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر تمیمی بکری شافعی (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب (چاپ سوم، جلد ۵)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین (چاپ دوم، جلد ۴)، قم: مؤسسه دارالهجره.
۲۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور (جلد ۶ و ۹)، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۸. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (چاپ ششم)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (جلد ۴)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. کاظمی، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی تبعیض نژادی از دیدگاه اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران. کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۳۱. کوئن، بروس (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی (ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل)، تهران: سمت.

۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (جلد ۱۶ و ۲۲ و ۶۹)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق). شرایع الاسلام، تهران: استقلال.
۳۴. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۳۵. محمدزاده، زینب و اجتهادی، مهدی (۱۴۰۲). جایگاه عقد آریایی در نظام فقه خانواده اسلامی. دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۸۴ - ۱۶۲.
۳۶. مزدپور، کتایون (۱۳۸۲). زرتشتیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (جلد ۳)، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام (چاپ دهم، جلد ۱۶)، تهران: انتشارات صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). فطرت در قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
۴۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰ق). عقائد الامامیه، نجف اشرف: کلیه الفقه.
۴۱. مظفر، محمدرضا (۱۴۰۵ق). اصول الفقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (جلد ۱ و ۵)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). الفتاوی الجدیده (جلد ۳)، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۴۴. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳ق). فقه القضاء (چاپ دوم، جلد ۲)، قم: بینا.
۴۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷ش). صحیفه امام خمینی (جلد ۱ و ۲ و ۱۳)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۶. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیله (جلد ۱)، قم: دارالعلم.
۴۷. نراقی، احمد (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۸. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (جلد ۱۴)، بیروت: آل البيت.
۴۹. نیکنام، کوروش (۱۳۹۴). یادگار دیرین، تهران: نشر بهجت.